

پیدا

فصلنامه کاغذی به سبک ایرانیان کار و کتابهای شما

PEYVAND

THE SEASONAL LETTER OF THE IRANIAN CULTURAL SOCIETY OF NC

No. 87, Fall 2013



## زندگی و اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی

نوشته: دکتر اسد میمنی

روز ۳۰ سپتامبر امسال، هشتصد و ششمین سال تولد مولوی رومی بود. رومی، شاعر برجسته و مرد مقدس ایرانی، نویسنده دیوان مثنوی میباشد، کتابی که هر کلمه آن خرد و فرزانی و او را به وجهی روان و زیبا بیان می کند. سالهای زندگی رومی از ۳۰ سپتامبر ۱۲۰۳ تا ۱۷ دسامبر ۱۲۷۳ می باشد.

دیوان مثنوی شامل شش کتاب و ۲۵۰۰۰ خط است. قبلا در مقاله دیگری در این صفحه، در باره "قدرت کلمات" به خواننده پیشنهاد شد که توجه مخصوصی به کلمه اول هر کتابی بکند. کلمه اول مثنوی رومی "بشنو" است (بشنو از نی چون حکایت می کند، از جدایی ها شکایت می کند). این کلمه اشاره ای است به اینکه "شنیدن" از "عشق" سرچشمه می گیرد. سعدی (۱۲۱۰-۱۲۹۰) شاعر نامدار ایرانی که همزمان با مولانا زندگی می کرده است اهمیت گوش دادن را چنین شرح می دهد. "به انسان دو گوش برای شنیدن و یک زبان برای صحبت کردن داده شده است. بنابر این ما باید دو برابر از صحبت کردن، به دیگران گوش بدهیم."

اشعار رومی شهرت جهانی دارد و به زبانهای مختلف در بسیاری از کشورهای دنیا ترجمه شده است. همچون کتاب انجیل و "اعترافات" آگوستین مقدس، مثنوی مولوی یکی از پر فروشترین کتاب های دنیا می باشد. یکی از نگرانی های من این است که تعدادی اشخاص حقه باز که به زبان و فرهنگ فارسی و ایرانی آشنایی ندارند خود را کار شناس ادبی و متخصص اشعار رومی جای زده اند. اینها اشخاصی هستند که دنیای ادبیات را آلوده می کنند. در خواندن تفسیرات اشعار مولانا، یکی از وظایف ما این است که از منابع معتبر استفاده کنیم.

رومی یک صوفی بود. او "عشق" را مظهر قدرت پروردگار می دانست و معتقد بود که "عشق" زندگی انسانها را عوض میکند و تنها راه رسیدن به رستگاری در آخرت است. "عشق" دروازه ورود به دنیای دانش، خرد، آموزش، رشد فکری و روانی می باشد. بر خلاف عقیده عمومی، صوفیگری شاخه ای از اسلام نیست. نوشته های افلاطون در باره افکار سقراط نشان می دهد که استاد بزرگ سقراط، خود یک "صوفی" بوده است. موعظه عیسی در روی کوه و کتاب ماتیو فقط به وسیله یک صوفی، یا کسی که "عشق" را تنها راه ارتباط و وابستگی بین انسانها و خدا من داند، نوشته شده است.



کنسرت بانو پریسا: دوم نوامبر، دانشگاه دوک، بلیط ۳۰ دلار در گیشه، ۲۰ دلار برای اعضای کانون

To order tickets please visit Duke's main website [tickets.duke.edu](http://tickets.duke.edu) or call 919-684-4444. ICSNC members contact Kanoon.

رومی معتقد بود که حل مسایل انسانی در وجود خود اوست نه در یک مرشد، زیرا که هدف مرشد مهار کردن روح افراد و خالی کردن جیب آنها می باشد.... هر چند در قرن سیزدهم دانش زیادی در مورد ساختمان داخلی مغز و سلول های مغزی و طرز ارتباط آنها با هم وجود نداشت، رومی به پیروانش تاکید می کرد که برای حل مسایل زندگی به "درون" خود نگاه کنند. "درون" انسانها افکار، اسرار، بدن و همچنین خدایست که در وجود شان جای گزین شده است.

رومی بر ضد عقاید تعصب آمیز دینی، ملاحای بی وجدان، تبعیض بین انسانها و همچنین متظاهران دینی بود. فیلسوف فرانسوی، ولتر، نویسنده و دانشمند بر جسته قرن هجدهم، در مورد افکار رومی و عقاید او در مورد خدا پرستی، عشق، روشنفکری و پذیرش دیگران اشارات زیادی کرده است. در تحلیل رومی، این شعر او را به دوستان عزیز تقدیم می کنم.

ترجمه به فارسی: دکتر شهلا باقری



دکتر میمنی در تالار میمنی در مرکز هنری دوک انرژی در رالی ( نفر سوم از چپ)





*Your Plan : Your Vision*  
*We draw the Roadmap*

**Farzad Khoshnoodi**  
Registered Investment Advisor

2530 Meridian Parkway  
Suite 300  
RTP, NC 27713  
contact@farzadfinancial.com  
Web : www.farzadfinancial.com

Investment - Retirement - Insurance  
401k- IRA -SEP- Simple  
Health - Life -Disability-Long Term Care

States Licensed ; CA, MD, NC, VA,DC,

**919-806-4669**



مرده بُدَم زنده شدم گریه بُدَم خنده شدم  
دیده سیرست مرا جان دلیرست مرا  
گفت که دیوانه نئی لایق این خانه نئی  
گفت که تو مست نئی رو که از این دست نئی  
گفت که تو کشته نئی وز طرب آغشته نئی  
گفت که تو زیر کیکی مست خیالی و شکی  
گفت که تو شمع شدی قبله هر جمع شدی  
گفت که شیخی و سری پیشرو و راهبری  
گفت که با بال و پری من پرو بالت ندهم  
گفت مرا عشق کهن از بر من نقل مکن  
چشمه خورشید توئی سایه گه بید منم  
تابش جان یافت دلم و اشد و بشکافت دلم  
صورت جان وقت سحر لاف همی زد ز نظر  
شکر کند کاغذ تو از شکر بیحد تو  
شکر کند خاک دژم از فلک و چرخ و نجم  
شکر کند چرخ و فلک از ملک و مُلک  
شکر کند عارف حق کز همه بردیم سبق  
از توام ای شهره قمر در من و در خود منگر  
زهره بدم ماه شدم چرخ دو صد آه شدم  
باش چو شطرنج کنان خامش و خود جمله زبان  
بنده بُدَم شاه شدم زهره بدم ماه شدم  
من چو \*سُها بودم نک مهر درخشنده شدم

\* سُها ستاره کم نوری است نزدیک ستاره ناق (از ستاره های خرس بزرگ). در زمان قدیم که مردم دسترسی به پزشکی نداشتند قدرت بینایی خود را با این ستاره آزمایش می کردند و اگر می توانستند ستاره را ببینند، می دانستند که قدرت بینایشان خوب است.



# The Life and Poetry of Mowlana Jalal-Al-Din Mohammad Balkhi Rumi

By Assad Meymandi, MD, PhD, DLFAPA\*

September 30, is the 806<sup>th</sup> natal anniversary of Mowlana Jalal-Al-Din Mohammad Balkhi Rumi, the illustrious Persian poet and saint, author of *Divan Masnavi*, a colossal book of poetry imparting wisdom with its every word. Rumi's years were September 30, 1207 to December 17, 1273. *Divan Masnavi* consists of six books and well over 25,000 lines. Faithful readers of this space recall the essay on power of words suggesting to pay special attention to the first word of books read. Rumi's imposing *Divan's* first word is "Listen", connoting that listening is an act of love... Other sages including a contemporary of Rumi, Persian poet Sheikh Mosleh-Al-Din Saadi (1210-1290) illustrated the importance of listening "one is given two ears to listen and one tongue to speak. So, one must listen twice as much as one speaks.."

Back to Rumi. Mowlana's work enjoys worldwide acceptance translated into hundreds of languages. Like the Bible, Saint Augustine of Hippo's Confessions, it is a perpetual best seller. One of my major concerns is that literary charlatans, especially the phonies who line their pockets by exploiting Rumi, posing as experts, and not knowing Farsi or the Persian culture. They contaminate the literary medium. Be careful of what you are dished out as Rumi.

Rumi was a Sufi. He held love (Farsi, *Eshgh*) as the supreme power that transforms lives. *Eshgh*, the pathway to salvation... *Eshgh*, the gate to the world of knowledge, cognition, learning and transcendence. In the contrary to common belief, Sufi is not a branch of Islam. Looking at the writings of Plato who recorded the teachings of Socrates, we know that Socrates, the Ostad himself was a Sufi. The Sermon of the Mount and the five part Gospel of Matthew (just like Pentateuch that has five parts) could not have been written by anyone but a sufi or one who holds Love as the ultimate in human to human and human to God relationships. I will devote a series of "MM" on Sufi and Sufism. Rumi held that the solution to human problems lies within. Not in some creepy *Morshed* (guru) who preaches to just submit your soul and remit your pocketbook... Although in the 13<sup>th</sup> century little was known about chemistry of the brain and neurotransmitters, Rumi strongly suggested to seek solution to our problems within (Farsi, *doroon*), our thoughts, our bodies, and our inner secrets (Farsi, *Asrar*).

Rumi was anti-cleric, anti dogma, anti exclusion, and anti religious pretense (hypocrisy). The French *Philosopher*, as he was called, François-Marie Arouet de Voltaire (1694-1778), the well known 18<sup>th</sup> century thinker and writer, has referred extensively to the intellectual construct of Rumi and Rumi's treatment of deism, love and toleration.

Celebrating the master's birthday, I am offering a few lines of Rumi's wisdom translated by a learned scholar, Nader Khalili.

This article was originally published on September 30th online, in Dr. Meymandi's Monday Musings column.



I was dead, I came alive, I was tears, I became laughter  
all because of love, when it arrived  
my temporal life, from then on changed to eternal  
love said to me, you are not crazy enough  
you don't fit this house  
I went and became crazy, crazy enough to be in chains  
love said you are not intoxicated enough  
you don't fit the group  
I went and got drunk, drunk enough  
to overflow with light-headedness  
love said you are still too clever  
filled with imagination and skepticism  
I went and became gullible  
and in fright pulled away from it all  
love said you are a candle attracting everyone  
gathering everyone around you  
I am no more a candle spreading light  
I gather no more crowds  
and like smoke, I am all scattered now  
love said you are a teacher, you are a head,  
and for everyone, you are a leader  
I am no more, not a teacher, not a leader  
just a servant to your wishes  
love said you already have your own wings,  
I will not give you more feathers  
and then my heart pulled itself apart, and filled to the brim  
with a new light  
overflowed with fresh life  
now when the heavens are thankful that  
because of love I have become the giver of light.



### ICSNC Board of Directors

Kazem Yahyapour: President  
Behrouz Mohebbi: Vice President  
Moujan Khorram: Treasurer  
Maria Thoenen: Secretary  
Ali Khorram: Board member  
Shahla Bagheri: Board member  
Mehdi Emamian: Board member  
Shahla Adel: Board member  
Majid Roohafza: Board member

In This Issue:	Page
Mowlana: Farsi version.....	2
Mowlana: by Dr. Meymandi. ....	4
Profile Article: Kazem Yahyapour.....	6
Transcontinentasl Travel : Nazi Kite .....	8
Mehregan: by Maryam Tabibzede.....	9
Interview :Banoo Parissa's Concert.....	10
Poetry.....	12
The Second Generation: by Pegah Kamrani.....	13
The Mystery of Ronoake.....	14
Perseverance of Persian Civilization: Mr. Shammas.....	15
Dariush the Great: by Mrs. Ebrahimi.....	16
Jokes.....	17
The Persian Sonnat music: by Shahram Mazhari.....	18
How to Store Avacados.....	19
Kanoon News.....	20
Victory at the International Festival.....	21
Preservation of our Heritage, Nazi Kite.....	22

Please notify ICSNC of any change in your mailing or email address:

icsnc@icsnc.org - Phone: 919-466-9903

شرح روی جلد: بوم گل و مرغ، نمونه ای از جلد کتب تاریخی کهن ایران

Cover: The flower and the bird. A sample of Iranian manuscript, Safavi period.

### Editor's Letter

The profile article in the summer issue of Peyvand began with these words: "Ali Regimand is an alumni of North Carolina State University...." I had sent the article to three well educated persons prior to publishing, but nobody noticed the error. After the newsletter was published, Dr Meymandi gently pointed out to me that the correct sentence was: "Ali Regimand is an *alumnus* of...." This sent me on a frenzied search to figure out why I had made such an error.

"Common Errors in English usage" by Paul Brians explains: "We used to have 'alumnus' (male singular), 'alumni' (male plural), 'alumna' (female singular), and 'alumnae' (female plural); but the latter two terms are now popular only among older female graduates, with the first two terms becoming unisex. However, it is still important to distinguish between one alumnus and a stadium full of alumni."

The university stores have not helped this dilemma as they continue to put products on the shelves saying "I am an alumni of \_\_\_\_\_ University. Nowadays, many use the informal terms "alum" and "alums" to avoid the problem.

So, to the academic reader, "Ali Regimand is an alumnus of NCSU...." To the salesperson at the university store, Regimand is an alumni of NCSU. And to Generation X, he is an alum of NCSU!

### Iranian Cultural Society of North Carolina

PO BOX 32217, Raleigh, NC 27622

www.ICSNC.org

Fall Issue of Peyvand, ICSNC Newsletter # 87

Editor: Shahla Bagheri, MD

Design Consultant: Majid Roohafza

Farsi Editor: Jamileh Pilaram

Please send your questions or comments to:

Bagherimd@gmail.com or mail your comments to:

ICSNC/Peyvand, PO BOX 32217, Raleigh, NC 27622

### Disclaimer:

*The views expressed are those of the public and, unless specifically stated, are not those of the ICSNC and Peyvand newsletter.*



## Sailing a Dynamic Life

Family man, businessman, marathon runner and passionate volunteer

## Kazem Yahyapour

In 1976, the Iranian Imperial Navy deployed the first group of Iranian naval cadets to Norwich University in Vermont marking a historic moment in the country's maritime defense. In April 1980, following the revolution in Iran, the US State Department ordered the deportation of "Officials and employees of the Islamic Republic of Iran," or anyone holding a diplomatic visa. The 80 Iranian students at Norwich, including the first female cadets in Iran's naval history, received 48-hour notices to leave the country. "The most difficult part was having no time to say good-bye to our many friends" says Kazem Yahyapour. On the day of departure, in a very sad and emotional ceremony, cadets said good-bye to their American friends and school officials. The young cadets did not know if they would ever return to the US, see their American friends again, or graduate from the school where they had spent the last four years. They were uncertain of the future that awaited them upon returning to Iran.

And so, in these turbulent times in his country's history, Kazem Yahyapour, now a small business owner in Raleigh and a former vice president at Nortel, began his young adult life.

Born in Tehran and the 4<sup>th</sup> of five children, Mr. Yahyapour grew up in a loving and caring family. He enjoyed a playful and happy childhood filled with love and support. After finishing Safavi High School, he passed the Imperial Iranian Navy entrance exam and upon acceptance began his formal training in the Navy. His love for the sea and aptitude for leadership made the Navy a perfect fit for the youthful and energetic Yahyapour. Nine months after joining the Navy, he was among the first group of students who were selected to travel to the US to begin their studies at Norwich University, the oldest private military university in the US. At Norwich, he was the leader of the Iranian students, the captain of the soccer team and was selected to become a member of the 12 person honor committee; a committee whose responsibility was to ensure that the student body, including the committee members themselves, upheld a high standard of ethical behavior. Serving as a Battalion commander during this period, he acquired many leadership skills and honed his problem



solving acuity, while working towards the completion of his studies in electrical engineering. Yahyapour remembers clearly the day he was informed that President Carter ordered all Iranian military students and those holding diplomatic passports to leave the country. Some students elected to remain in the US by applying for asylum but Yahyapour who felt obligated to the other naval cadets and his country returned to Iran. Upon his return, he reported to the Navy in Iran where after a few months he was told that there was no need for him in the Iranian navy and he was dismissed. As the political atmosphere in Iran became more turbulent, Yahyapour decided to return to the US. In 1981 he was back in the US and started working for ITT. He met his wife Karen in Boston, MA and they got married in 1983. Yahyapour considers meeting Karen the most fortunate event of his life. Meanwhile, he got an MBA degree from Southern New Hampshire University. In 1984, he began working for Nortel and in 1989, Yahyapour and his young family relocated to Raleigh. Yahyapour stayed with the company until 2002 when he left Nortel and established his own business, a successful finance company.

Yahyapour has always been enthusiastically involved in a variety of sports, and always in the pursuit of being the best he could be in all these activities. He excelled in soccer, tennis, skiing, and golf. He played sports not only for pure enjoyment but also because he knew physical activity contributed to good health. At 48, Yahyapour



## Sailing a Dynamic Life

Family man, businessman, marathon runner and passionate volunteer

## Kazem Yahyapour

confronted yet another hurdle when he endured a heart attack. Yahyapour had lost his father and older brother both in their early 50's, as well as many other relatives, to heart attacks. Heart disease was prevalent on both sides of Yahyapour's family. Being proactive, and a fighter, as if locking horns with destiny, he began moving, and planning a new path for his life to overcome this most recent and serious obstacle. Four months after his diagnosis, he ran the Myrtle Beach Marathon in 4 hours and 2 minutes. Losing weight and firming up were obvious physical changes that resulted from disciplined running but it was the emotional effects of running, or the runner's high, that engaged him in a lifelong commitment to running.

Fascinated by his newfound discovery, he wished to share this joy with others. At this time, he began to organize races, raising funds to help different causes. The first race he organized was the Wakefield High School 5K to help raise awareness of teen drinking and driving and drug use and to raise money for Wakefield high school's "Just Think First" program. This program, now in its' seventh year, continues to provide powerful messages to young people regarding safe and responsible choices they can make. After his success with the 5K race, Yahyapour turned his attention to larger goals. He helped found the City of Oaks Marathon in 2007 which put Raleigh on the national running map. In 2009, he helped establish a third local race, the Tobacco Road Marathon. The money raised from this marathon has benefitted the Wounded Warrior Project, the local chapter of the American Red Cross, the Juvenile Diabetes Research Foundation and the Rails to Trails Conservatory in the Triangle area. To date, the Tobacco Road Marathon has donated over \$300,000 to charity.

Yahyapour has finished 19 Marathons, his favorite being the Boston Marathon. His goal is to run 10 consecutive Boston Marathons. Last April, he completed his 9<sup>th</sup> Boston Marathon and finished the race 15 minutes before the bombing occurred in Boston. Yahyapour and his wife Karen returned to Raleigh safely, but deeply affected by the tragedy that had ensued. Being an organizer and a doer, he felt that he had to do something to honor the memory of the victims. One week after the bombing, he organized a three-mile race expecting a couple of hundred people to show up. The event became a much bigger triumph when an estimated 3000 runners ran in the race to support the victims of the senseless tragedy in Boston.

Currently, all members of Yahyapour's family run, including his 11 year old mutt, Inga, his favorite running buddy. Kazem and Karen have three children. Matthew 28, graduated from Vanderbilt University and is currently working at his father's company. Michael 26, earned a

business degree from UNC Wilmington and he too works for his father's company. Leila 24, a graduate of UNC Wilmington, works at SAS in Cary.

Strong family bonds, hard work, volunteering, sports, and running marathons have been the forces that have shaped Yahyapour's life. Nowadays, he spends many days on his boat. Navigating the ocean, he has seen his youthful dream of seafaring, a reminder of his cadet days, fulfilled.



Yahyapour with his running buddy, Inga.



**Auto Dealers Investments, Inc.**

**Kazem Yahyapour**

**919-280-9737**



I arrived at the RDU airport one spring evening in the early 80's. At that time, the airport consisted of only one small terminal with a single parking lot and an adjacent motel. My sister and brother-in-law picked me up and took me to their house. During the drive to their home in North Raleigh, I saw only narrow two-lane roads and many trees. I wondered where the residential houses were, where people lived, and shopped. I was surprised not to see people walking alongside the streets.

The next day my brother-in-law took me to Raleigh's main shopping mall, Crabtree Valley Mall. The mall was only half the size of what it is today. It was not what I expected. I was extremely disappointed to learn that

Raleigh had very limited cultural offerings or events tied to the International community. Ethnic shops, grocery stores, and restaurants were almost nonexistent. I remember that there was one ethnic market on Western Boulevard, but its selection of foods and ingredients was poor. Despite the store's shortcomings, members of the ethnic community shopped there because regular grocery stores did not carry any ethnic items.

At home in Iran, I had always enjoyed attending cultural events, concerts and educational programs. The absence of such happenings made me feel a loss, so I began to travel to Washington DC quite often in order to gain some exposure to other cultural offerings. At the end of each of my trips to Washington, DC, I would load my car with basmati rice, exotic herbs, fruits, and other delicacies that I couldn't find in my new home in North Carolina. During visits back to my home in Iran, I would stuff my suitcases with various types of food, clothing, and hand made goods that I could not find anywhere at the Research Triangle Park.

Over the years Raleigh and the Research Triangle area have experienced tremendous growth. In 1990, approximately 16,000 foreign born citizens lived in the area. The 2010 census revealed that there are now nearly 120,000 foreign born citizens living here. Today, people from all seven continents, representing countries such as Kenya, Egypt, South Africa, Nigeria, Cuba, Mexico, Colombia, Canada, China, India, Vietnam, Lebanon, England

Germany, Italy, Russia, and Australia all proudly call Wake County home. More and more people of all nationalities are moving to the area because of the ways in which we honor and celebrate diversity here.

I have been involved with International Focus for 28 years and have witnessed a great deal of change and growth. This area has flourished and has become quite vibrant. Today, there are numerous cultural and educational events. Multiple ethnic cultural centers have been organized and the ethnic population has grown tremendously. Ethnic restaurants and markets can be found in nearly every shopping center. Every week, International Focus's calendar of events, as well as those of more than 100 ethnic associations, highlights an abundance of cultural activities and programs taking place throughout the Triangle. My involvement with International Focus has helped me connect and collaborate with my neighbors to create a rich community that benefits from the wealth of creativity, wisdom, and friendship our Triangle international family has to offer. I'm grateful to have had the opportunity to be a part of International Focus and the International Festival of Raleigh. For me, the International Festival has been the one event which brings a multitude of cultures together under one roof and provides all participants with the opportunity to learn about one another and our wonderful triangle community.



*This article, by Ms. Nazi Ahmadi Kite, was originally published in the September issue of Boom Magazine.*





# جشن مهرگان

نوشته مریم طبیب زاده

مانند نوروز، مهرگان یکی از بزرگترین جشن های ایرانیان است. میدانیم که در جوامع کشاورزی، بهار فصل کاشت و پائیز موقع برداشت است. بنا بر این جای شگفت نیست که نیاکان ما شروع بهار را که فصل جنب و جوش است و اول پائیز را که فصل برداشت محصول می باشد، جشن می گرفتند و به شادی و پای کوبی می پرداختند. عده ای برآنند که در زمانی از تاریخ کهن ایران، مهرگان روز اول سال بوده است. ولی بر اساس نوشته اوستا، تقویم ایرانیان پیش از دوره هخامنشی دارای دو فصل تابستان و زمستان بوده و نیاکان ما آغاز هر فصل را جشن می گرفته اند. البته طبق گفته هاشم رضی، ایرانشناس ایرانی، جشن مهرگان کهن سال تر از اوستا میباشد. مهریا میترا به معنای فروغ، روشنائی، دوستی و پیوند است و مهرگان، یعنی "جشن مهر" از آئین میترائیسم سرچشمه گرفته است. در زمان هخامنشیان، مهرگان در روز اول مهر جشن گرفته میشد. در زمان ساسانیان، مهرگان روز ۱۶ مهر شروع و در روز ۲۱ مهر به پایان میرسیده است. ایرانیان قدیم معتقد بودند که اهورامزدا یاقوت را در اول نوروز و زبرد را در روز مهرگان آفریده است.

## مراسم مهرگان:

به گفته ویکی پدیا، مردم در این روز جامه ارغوانی پوشیده و بهم هدیه میدادند. در میان سفره مهرگان که با پارچه ارغوانی رنگ تزئین میشد، گل مخصوص "همیشه شکفته" گذارده و آنرا با گل های دیگر آئین میکردند. امروزه نمی دانیم که آیا گل "همیشه شکفته" نام گلی بخصوص بوده است یا نام عمومی گل هایی است که برای مدت طولانی شکوفا می مانند. در پیرامون این گل ها، چند شاخه درخت می نهادند و با میوه های پاییزی که ترجیحاً به رنگ سرخ بودند مانند: سنجد، انگور، انار، سیب، به، ترنج، انجیر، کُنار، زالزالک، ازگیل، خرما، خرمالو و انواع آجیل مانند بادام، پسته، فندق، گردو، و تخمه و نخودچی، سفره را تزئین میکردند.

دیگر خوراکی های خوان (سفره) مهرگان عبارت بود از آشامیدنی و نانی مخصوص. یک نوشیدنی که از عصاره گیاه "هوم" که با آب یا شیر رقیق شده بود، فراهم میشد و همه شرکت کنندگان جشن به نشانه پیمان، از آن می نوشیدند. نان مخصوص مهرگان از آمیختن آرد هفت نوع غله گوناگون مانند گندم، جو، برنج، نخود، عدس، ماش و ارزن تهیه میگردد. دیگر لازمه های سفره مهرگان عبارت بود از: جام آتش یا شمع، شکر، شیرینی، خوراکی های محلی و گلاب پاش.

در مراسم جشن مهرگان، شرکت کنندگان آواز می خواندند و می رقصیدند. شعله های برافروخته آتشدان پذیرای خوشبویی ها مانند اسپند، زعفران و عنبر می شد و نیز گیاهانی چون هوم که موجب خروشان شدن آتش می شوند روی آتش می پاشیدند.

فردوسی این روز را روز پیروزی فریدون بر ضحاک دانسته و گوید:  
فریدون چو شد بر جهان کامکار  
ندانست جز خویشان شهریار  
به رسم کیان تاج و تخت مهی  
بیاراست با کاخ شاهنشاهی  
به روز خجسته سر مهر ماه  
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه  
زمانه بی انده گشت از بدی  
گرفتند هر کس ره بخردی  
دل از داوری ها برداختند  
به آیین، یکی، جشن نو ساختند

می روشن و چهره ی شاه نو  
جهان نو ز داد از سر ماه نو  
بفرمود تا آتش افروختند  
همه عنبر و زعفران سوختند  
کنون یاد گارست از و ماه مهر  
به کوش و به رنج ایچ منمای چهر  
رودکی درباره ی مهرگان چنین سروده است:

ملکا جشن مهرگان آمد  
جشن شاهان و خسروان آمد  
جز به جای ملهم و خرگاه  
بدل باغ و بوستان آمد



**Serving Gourmet Iranian Cuisine**

Please come and discover delicious authentic Persian Kabobs (Lambs, Beef, Chicken, Koobideh.....)

Stews and Basmati Rices with freshly Baked tondoi Bread.

We also offers a variety of catering options for all occasions.

Our restaurant uses only certified Halal meat.

7961 Skyland Ridge, Suite 110  
Raleigh, NC 27617  
(919) 596-2525

For catering info, contact Mehdi (919) 649-6666

**FLAME KABOB**

**Kabobi**  
ORIGINAL KABOBS & MORE

Celebrating 10th anniversary of Healthy and delicious Iranian foods.

Located at Crabtree Valley Mall, Food Court

4325 Glenwood Ave  
Raleigh, NC 27612  
(919) 783-0506

For catering info, contact Mehdi (919) 649-6666





## کنسرت بانو پریسا و گروه داستان در دانشگاه دوک

گپی با دکتر امیر رضوانی

**گفتگوی پیوند با دکتر رضوانی به مناسبت کنسرت بانو پریسا در دوم نوامبر**

پرسش: دکتر رضوانی آشنایی شما با صدای بانو پریسا از چه زمانی شروع شد؟

پاسخ: آشنایی من با صدای بانو پریسا، با شنیدن آوای دلنشین او در شبهای جشن هنر شیراز آغاز شد. شنیدن هر نوع موسیقی اصیل همواره شور و حال ویژه ای را در من ایجاد میکند که بیان آن چندان ساده نیست. این نوع موسیقی که از دل تاریخ بر میخیزد و بیا نگر عواطف و احساسات پاک اقوام ایرانی است، بعد زمان را برای من از بین میبرد و خودم را در فضایی لایتناهی حس میکنم که زمان بر آن حاکم نیست. آوای خوش بانو پریسا چنین حالتی را در شنونده ایجاد می کند.

پرسش: ممکن است درمورد زندگی و هنر موسیقی ایشان توضیح بدهید؟

پاسخ: بانو پریسا یکی از چهره های شاخص موسیقی اصیل ایرانی است که علیرغم طوفان های سهمگین اجتماعی، همچنان توانسته است به کارهای خود ادامه داده و شکوفا تر شود. ایشان کارهای هنری خود را در سن جوانی با تشویق خانواده و زیر نظر اساتیدی مانند استاد محمد کریمی آغاز کردند و از همان ابتدا مورد توجه بزرگان موسیقی ایران همچون استاد علیزاده و دکتر صفوت قرار گرفتند. بخاطر ویژگی صدا و اصالت هنرشان از جمله معدود خوانندگانی بودند که در هر سه جشن هنر شیراز قبل از انقلاب به اجرای کنسرت پرداختند.

بانو پریسا در کار هنری خود با اساتیدی چون استاد حسین علیزاده، استاد ذوالفنون، استاد عمومی، استاد لطفی، استاد مشکاتیان و اساتید دیگر، کارهای به یاد ماندنی به یادگار گذاشته اند. بعد از انقلاب بخاطر محدودیت در اجرای موسیقی برای بانوان، ایشان به کار تدریس موسیقی پرداختند ولی همچنان در خارج از ایران به کارهای هنری و اجرای کنسرت ادامه دادند. ایشان در بسیاری از کشورهای آسیا، اروپا و آمریکا کنسرت اجرا کرده و همواره با استقبال هنر دوستان روبرو شده است.

پرسش: بانو پریسا با گروه داستان آواز می خوانند. لطفا در مورد این گروه توضیح بدهید.

پاسخ: گروه داستان در سال ۱۹۹۱ با همکاری هنرمندان برجسته ای چون کیهان کلهر، حمید متبسم، مرتضی اعیان، پژمان حدادی، حسین بهروزی نیا، محمد علی کیانی نژاد و سعید فرج پوری تشکیل شد.

اندیشه های هنری جوان و پشتکار این هنرمندان باعث شد که این گروه بسرعت جایگاه ویژه ای در پهنه موسیقی اصیل ایرانی پیدا کند.

مانند بسیاری از گروه های موسیقی در ایران، ترکیب نخستین این گروه نیز در طول زمان دچار دگرگونی شده است.

گروه داستان با هنرمندان برجسته ای چون استاد شهرام ناظری و استاد سیما بینا، همایون شجریان و سالار عقیلی کنسرت های موفقی چه در داخل ایران و چه در خارج اجرا کرده اند و امروز این گروه یکی از گروه های برجسته موسیقی اصیل ایرانی است.

در برنامه ما در دانشگاه دوک، گروه داستان با شرکت حمید متبسم (تار و سه تار)، حسین بهروز نیا (عود)، سعید فرج پوری (کمانچه)، حمید هنری (تنبک) ارژنگ عطالهی (دف) بانو پریسا را همراهی خواهند کرد.

پرسش: انگاره دعوت پریسا چگونه شروع شد و شما چه کارهایی در این مورد انجام داده اید؟

پاسخ: کوشش من همواره بر این بوده است که برجسته ترین هنرمندان کشورمان را در حد امکانات به این منطقه دعوت کنیم و بدون اینکه قصد تعریف و تمجید باشد، فکر میکنم با توجه به امکانات بسیار محدود، در این کار بسیار موفق بوده ایم. ما توانسته ایم سه بار استاد شجریان، دو بار استاد ناظری، و چندین بار استاد علیزاده و کلهر و استاد سیما بینا و برادران کامکار را در جمع خود داشته باشیم. دیگر اینکه تا به حال توانسته ایم حمایت مالی موزه نثر (موزه دانشگاه دوک)، دپارتمان موسیقی دانشگاه دوک، برنامه مطالعات زنان در دانشگاه دوک، دفتر امور منطقه ای دوک در دورهام و همچنین دفتر معاونت هنری دانشگاه دوک را جلب کنیم. بدون این کمکهای مالی انجام این برنامه بسیار مشکل مینمود.





بانو پریسا در فستیوال هنر شیراز



بانو پریسا یکی از بزرگان موسیقی اصیل ایرانی است و شاید برجسته ترین خواننده زن موسیقی اصیل در زمان حال باشد. بانو پریسا همواره در لیست آرزوهای من بوده و خوشبختانه حدود یکسال پیش موفق شدم که ایشان و گروه دستان را به قلوب ایرانیان این منطقه دعوت کنم. ایشان پذیرفتند و ما مشتاقانه در انتظار ایشان و گروه دستان هستیم که با کولباری از عشق و امید از کهن دیار ایران راهی این سرزمین هستند.

پرسش: چه گروه هایی در اجرای این برنامه با شما همکاری می کنند؟

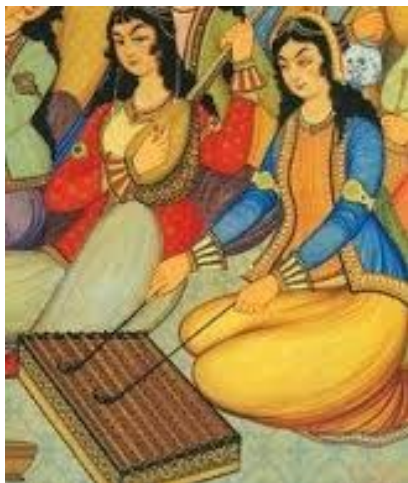
پاسخ: این برنامه متعلق به همه است. و کوشش بر این است که تمام ایرانیان این منطقه بتوانند از این برنامه ویژه استقبال و استفاده کنند. این برنامه به پیشنهاد مرکز هنری ایرانیان در کارولینا و با همیاری انجمن دانشجویان دوره لیسانس دانشگاه دوک آغاز شد و بلافاصله با کانون جهت همکاری در میان گذاشته شد که همانطور که انتظار میرفت، و مانند چندین برنامه در گذشته، کانون تمایل شرکت فعال خود را در برگزاری کنسرت اعلام کرد.

خبر خوش دیگر اینکه تا به حال توانسته ایم حمایت مالی موزه نشر (موزه دانشگاه دوک)، دپارتمان موسیقی دانشگاه دوک، برنامه مطالعات زنان در دانشگاه دوک، دفتر امور منطقه ای دوک در دورهام و همچنین دفتر معاونت هنری دانشگاه دوک را جلب کنیم. بدون این کمکهای مالی انجام این برنامه بسیار مشکل مینمود.

امیدواریم که ایرانیان هنر دوست و علاقمند به فرهنگ اصیل ایرانی در حد امکان خود در این کار فرهنگی ما را یاری دهند.

پیام: با شادمانی عرض میکنم که استقبال هموطنان عزیز در این منطقه از موسیقی اصیل ایرانی در ۲۵ سال گذشته بی نظیر بوده است. آنچنانکه هنرمندان با خضرات خوش از این منطقه یاد میکنند. همین امر باعث شده است که با همت عده کثیری از دوستان توانسته ایم بهترین های موسیقی اصیل را بارها و بارها در جمع خود داشته باشیم. اطمینان دارم که این بار نیز هموطنان عزیز و قدر شناس با شرکت فعالانه خود به استقبال این هنرمندان ارزنده، که حامل پیام عشق و مهر و دوستی از کهن دیار ایران هستند، خواهند شتافت. شکی ندارم که خاطره خوش و عطر سحر آمیز شب کنسرت، همراه با نغمه های آسمانی موسیقی ایرانی، شبی فراموش ناشدنی خواهد بود.

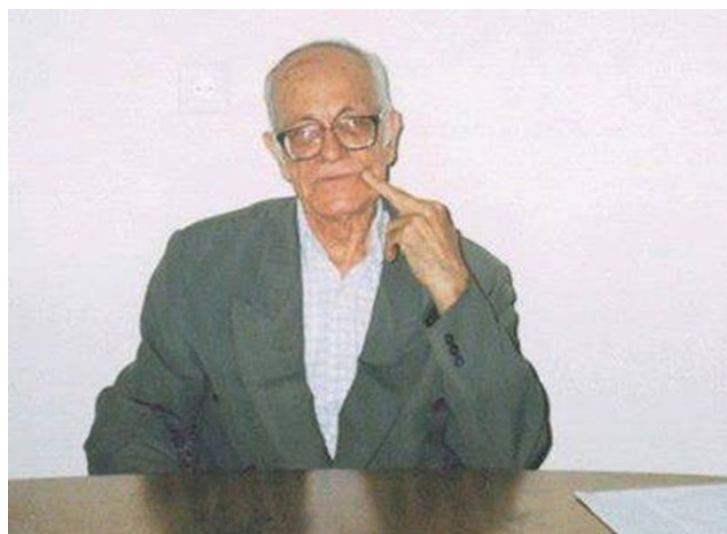
به امید دیدار در روز دوم نوامبر، و با سپاس فراوان



کی نوازی پرده عشاق چون عطار عاشق

تا تو زیر پرده این غم چو زیر و بم نباشی





دکتر خسرو فرشیدپورد، شاعر و نویسنده گرانقدر، چند سال پیش در سال ۲۰۰۸ در خانه سالمندان نیکان به دیار باقی شتافتند.

روانش شاد و یاد و تفکر او در این اثرش همواره زنده یاد! با تشکر از ماریا احمدی تونن برای تهیه این شعر



ژاله اصفهانی

۱۹۲۱-۲۰۰۷

این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست؛  
این خاک چه زیباست ولی خاک وطن نیست؛  
آن دختر چشم آبی گیسوی طلایی،  
طناز سیه چشمم، چو معشوقه من نیست؛  
آن کشور نو، آن وطن دانش و صنعت،  
هرگز به دل انگیزی ایران کهن نیست؛  
در مشهد و یزد و قم و سمنان و لرستان،  
لطفی است که در "گلگری" و "نیس" و "پکن" نیست؛  
در دامن بحر خزر و ساحل گیلان  
موجی است که در ساحل "تریای عدن" نیست  
در پیکر گل‌های دلاویز شمیران  
عطری است که در نافه ی "اهوی ختن" نیست؛  
آواره ام و خسته و سرگشته و حیران  
هرجا که روم، هیچ کجا خانه من نیست؛  
آوارگی و خانه پدوشی چه بلایی ست  
دردی است که همتاش در این دیر کهن نیست  
من بهر که خوانم غزل سعدی و حافظ  
در شهر غریبی که در او فهم سخن نیست؛  
هرکس که زند طعنه به ایرانی و ایران  
بی شبهه که مغزش به سر و روح به تن نیست!  
"پاریس" قشنگ است ولی نیست چو تهران  
"لندن" به دلاویزی شیراز کهن نیست؛  
هر چند که سرسبز بود دامنه "آلب"  
چون دامن البرز، پراز چین و شکن نیست؛  
این کوه بلند است ولی نیست دماوند  
این رود چه زیباست ولی رود تجن نیست؛  
این شهر عظیم است ولی شهر غریب است،  
این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست!

شعرا: ژاله اصفهانی

پیام به ستاره ای که از مدار خود خارج شده است

فرار کرد ستاره ای ز کهکشان خودش  
گریخت دختر خود سر ز خانمان خودش  
و یا پرنده آبی، سر طلایی بود  
پرید و دور شد از آشیان خودش  
ستاره ای ستاره کجا، کجا رفتی  
به بیکرانی کیهان به آنرا رفتی  
و با که زد به سرت در پی خدا رفتی

ستاره هر چه که خواهی به موج نور بگو  
نیا نیا به سراغ زمین، ز دور بگو  
که ما به گرد زمین گرم کشت و کشتاریم  
به "انتحاری" و "اشغالگر" گرفتاریم

ستاره از شرر کاینات ایمن باش  
شبان تیره چراغ تخیل من باش  
به جشنواره شاد برابری بشر  
بیاء، بیاء، اگر چه هزار سال دگر  
با تشکر از آقای ایرج شماس برای تهیه این شعر

# The Second Generation

By: Pegah Khosravi-Kamrani

"Why don't you just go bomb something?" said the 8th grade boy as I stepped into the classroom. My first reaction was visceral; my heart skipped a beat. Then the meaning of his words sunk in. That morning, the headline news story was that Iran had nuclear weapons. My head dropped as I connected my Persian ethnicity to this boy's impulsive comment.

The media seems always to pick a target. Stereotypes, especially when reinforced repeatedly, can change views and affect lives. The media stereotypes of the mid-eastern terrorist have followed me through my life, sometimes hovering in the shadows, sometimes with full body impact. I grew up painfully self-conscious about my olive skin, dark hair, and brown eyes. I felt like an outsider.

The bomb-producing stereotype is light years from the Persian values that filled my home. Raised in such a welcoming atmosphere, I pride myself on traditional and individual values. My parents strive to become the best versions of themselves, from hosting neighborhood parties to teaching me the meaning of family. The determination in their eyes has passed to mine; I live by inclusive and open-minded values. Individuality is valued, even in religion. Each person in my home prays once a day, in his or her own style. Equating violence to my Persian upbringing simply makes no sense, and the closest my family has come to making a bomb was a few years ago when the mac and cheese exploded in the microwave!

Whether or not the media stereotypes made sense, they still surrounded me, and I felt shame in my heritage. Gradually over several years, however, that shame evolved into a new and productive form. Now, misperceptions from the media propel me to help others in accepting different values and diversity. I know the pain of feeling excluded, but I also know the greater power of the accepting and warm atmosphere that my parents showed me. As captain of the track team, I try to be a role model, encouraging others to feel safe and proud in their own differences.

My Persian identity has become a privilege, rather than a source of shame. Nothing can break the bond I have with my heritage. Ironically, that 8th grade boy sparked a series of internal events and intuitive realizations that helped me grow and change. I am now unashamed to speak Farsi in public places, or to kiss the Quran before every track meet. I became driven to fight media stereotypes, to show the true nature of Iranians, to leave a positive influence on my friends and in the future, on my colleagues. I am honored to be a US citizen, but growing up Persian in this country has been a journey, with rewards, challenges, and accomplishments. As we often say in my family, تنوع هیچ محدودیتی وجود ندارد. In English, this reads: Diversity has no limits. Although some might consider this a contradiction in terms, I know who I am: an Iranian American.

**FONVILLE  
MORISEY**  
A LONG & FOSTER COMPANY

FARIBA KAMRANI, Realtor GRI

**فریبا کامرانی**

مشاور فعال در امور خرید و فروش  
املاک مسکونی و تجاری

تخصص، تجربه، صداقت من  
ضامن اطمینان شماست

919-619-3609

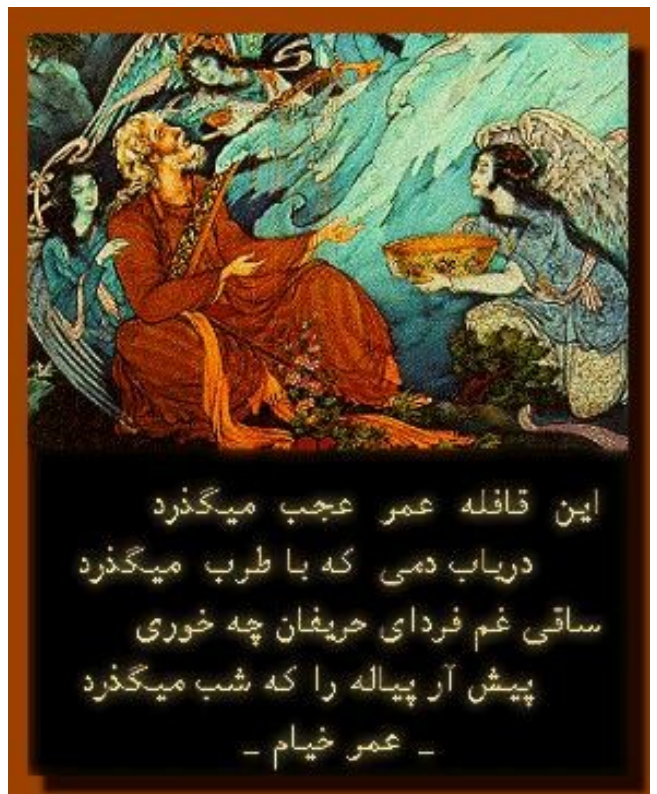
fkamrani@fmrealty.com

www.liveintriangle.com



*"What we speak becomes  
the house we live in."*

*Hafez Shirazi*



این قافله عمر عجب میگذرد  
دریاب دمی که با طرب میگذرد  
ساقی غم فردای حریفان چه خوری  
پیش آر پیاله را که شب میگذرد  
- عمر خیام -





# The Mystery of Roanoke

The North Carolina Page: To celebrate our home state of North Carolina we will dedicate a page to North Carolina in all our future Peyvand issues.

The fate of the Lost Colony of Roanoke is one of America's most famous unsolved mysteries. Years before the first permanent English colonies were established in Jamestown, Virginia in 1607 and Plymouth colony, Massachusetts in 1620, attempts were made to settle a colony in Roanoke, in a place that is now North Carolina. By the late 16th century, the race for the New World was on, and Sir Walter Raleigh was appointed by Queen Elizabeth I to establish an English foothold in the Americas. This would allow England to gain resources (i.e. gold), claim some territory, convert some pagans to Christianity and establish a base camp for raids on Spanish ships.



In 1584, Sir Walter Raleigh financed an expedition to find the perfect spot for his new assignment. His men returned with glowing reports of a "most pleasant and fertile" land, inhabited by a "loving and faithful" people, and it was decided that Roanoke Island's protected shores would be the perfect place to start England's first colony in the New World. With the Queen's blessing and financial support, soldiers were sent off to the shores of North America.

The first attempt by sending 108 men to Roanoke was unsuccessful and the soldiers returned, leaving 15 men behind to hold down the fort. For his second attempt at colonization, Sir Walter Raleigh decided to mix it up and add women and children to the group. He offered each settler a plot of land in the "cittie of Raleigh," they were sent to establish. These brave new colonists-two of them pregnant- arrived at Roanoke in July of 1587. They had planned to make a quick stop to resupply the 15 soldiers and then move inland. Upon their arrival, they found little evidence of the soldiers, and it was feared to be too late in the season to safely venture further. The colonists were left on Roanoke to settle in the abandoned ruins of their predecessors. Shortly after the colonists arrived, they celebrated the birth of the first English child in the New World, baby Virginia Dare.

*Sir Walter Raleigh made efforts to found the first English colony in the area called North Carolina today.*

Relations with the Native Americans were still troubled and grew worse after a series of miscommunications and ill-fated actions by the colonists. John White, now governor of the newly established colony, left for England to get supplies. Because of the impending war with Spain, Governor White was unable to return to Roanoke Island until 1590. When he arrived, three years later, the colony had vanished, leaving one tantalizing clue as to their whereabouts, the word "CROATOAN" carved on a post. "Croatoan" was the name of an island south of Roanoke that was home to a Native American tribe of the same name. The fate of those first colonists remains a mystery to this day and is one of America's most intriguing unsolved mysteries! White would make several more attempts to find his family and friends, but failed to unravel the mystery. Many theories have been formed on what happened to the settlers: drought-induced starvation, Spanish attack, lost at sea trying to return home or the possibility that the colonists moved inland and set up camp with the friendly Indians on Croatoan. In 2007, efforts began to collect and analyze DNA from local families to figure out if they're related to the Roanoke settlers, local Native American tribes or both. Despite the mystery, the lessons learned at Roanoke may have helped the next group of English settlers, who founded their own colony 17 years later, just a short distance to the north, at Jamestown.

## Why is North Carolina called the Tar Heel State?

In its early years as a colony, North Carolina settlements became an important source of tar, pitch, and turpentine for the naval stores, especially for the British navy. Tar and pitch were largely used to paint the bottom of wooden British ships both to seal the ship and to prevent shipworms from damaging the hull.

After 1824, North Carolina became the leader in the United States for naval stores. By the Civil War, North Carolina had more than 1600 turpentine distilleries, and two thirds of all turpentine in the United States came from North Carolina. At the time, tar was created by piling up pine logs and burning them until hot oil seeped out from a canal. Due to large production of tar, the state gained the nickname, Tar Heel and gained prominence during the American Civil War. At first, the nickname Tar Heel was a pejorative, but starting around 1865, the term began to be used as a source of pride. In 1893, the students of the University of North Carolina founded a newspaper and christened it *The Tar Heel*. By the early 1900s the term was embraced by many as a non-derisive term for North Carolinians by those inside and outside the state of North Carolina.



# پایداری تمدن ایران

نوشته: آقای ایرج شماس

این خط جاده که بر دل صحرا کشیده اند مردان رفته با قلم پا کشیده اند

در فصلنامه شماره پیش نوشته کوتاهی در خصوص فرهنگ مداری مردم ایران آورده شده بود که امید است مورد عنایت خوانندگان قرار گرفته باشد. در روزگاری که گستره فرهنگی ما متأسفانه تحت الشعاع قضایا و عوامل دیگری قرار گرفته است و درخشش چشم نواز آنرا، خاکستر بی رونقی میپوشاند، نوشتارهایی از این دست شاید بتواند مفید بوده و به کالبد از نفس افتاده آن جان تازه ای بدمد.

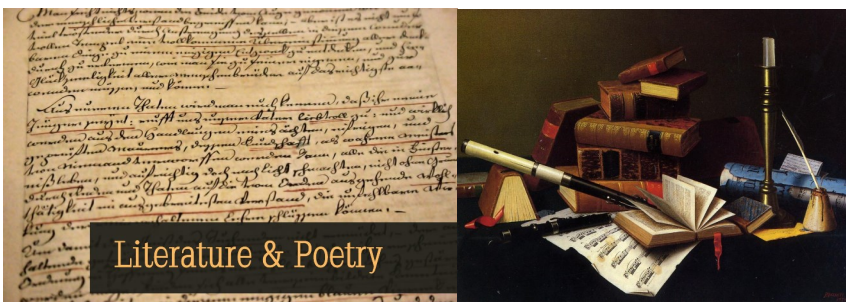
در سودای این نیت، با استفاده از نظرات بعضی از دانشوران و برجستگان فرهنگ معاصر، مثل مرحوم دکتر پرویز ناتل خانلری، ادیب فرهیخته و آقای دکتر محمد علی اسلامی (ندوشن) محقق جامعه شناس، در راستای مقوله (مبحث) شماره پیش، بررسی های بیشتری را ادامه میدهیم. مقدمات باید خاطر نشان ساخت که یک فرد تحصیل کرده ایرانی شایسته است که ملیت و مملکت خود را بشناسد و بداند که در ادوار گذشته چه اتفاقات و تحولاتی در مملکت او رخ داده است. باید بداند ریشه اولیه ملت ایران در چه زمانی و از کجا شروع به نشو و نما کرده است. آریایی ها چه کسانی بوده اند، چگونه به پهن دشت ایران آمدند و بعداً چه سلسله هایی در ایران حکومت کرده اند. اسکندر یا اعراب یا چنگیز خان چگونه بر ایران مسلط شدند و چند سال این تسلط دوام داشت و اثرات مادی، معنوی، فرهنگی و ادبی، مذهبی و سیاسی این تسلط ها چه بوده است، و بعد ها ایرانیها برای باز پس گیری استقلال و اعاده حاکمیت ملی خود چه کارها کرده اند. در دنیا تنها چند کشور و ملت، از قبیل ایران، چین، مصر، هند، روم و یونان هستند که تاریخ آنها را "هزاره ای" می شناسد، یعنی اینکه تاریخ و تمدن و فرهنگ کهنسال و چند هزار ساله اند و امروز هم وجود دارند. تعدادی از ملل قدیمی و کشورهای از قبیل ایلام، سومر، کلد، آشور و غیره هم بوده اند که یا بطور کلی از بین رفته اند و یا تجزیه شده که حالا دیگر اثری از آنها باقی نمانده است. بعضی از کشورهای اروپایی و نیمکره غربی نیز دارای چند صد سال تاریخ بیشتر نیستند. بقیه کشورها هم که پس از جنگ بین الملل اول و تجزیه خلافت عثمانی و یا بعد از جنگ بین المللی دوم، تازه شکل گرفته اند که عمر موجودیت آنها تقریباً حدود یک قرن است.

و اما آنچه مورد نظر ماست، ایران، کشور عزیز و یگانه ایست که یک میلیون و پانصد و چهل هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. گسترده در میان دو دریای عمان و خزر، دارای دو آبراه متبرک "چی چست" و "اروند رود" میباشد. کوه هایی که مانند اژدها بر گنج، گرداگرد آن چنبره زده اند. در این سرزمین، تفاوت دما از نقطه ای به نقطه دیگر در یک زمان واحد گاهی به پنجاه درجه سانتی گراد می رسد.

از آن بر خاسته اند، کورش، نخستین کشور گشای جهان که پس از فتوحات بابل و آشور و شوش و اکد، که اولین منشور حقوق بشر را در خصوص ساکنین آن متصرفات وضع کرد. خشایارشا پسر داریوش که به جبران ناکامی شکست لشکر کشی پدر در "ماراتون" از یونانیان، اقدام به هجوم گسترده کرد و با آنکه در مراحل اولیه پیروزیهایی داشت، کاری از پیش نبرد.. و از آن بر

خاسته اند، کاوه آهنگر، نخستین شورشگر ضد ستم، و زرتشت نخستین پیام

آور روشنایی وضحا، نخستین ستمگر گیتی. باری، این کشور طی هزاران سال حایل (میانگیر) میان شرق و غرب بوده است.



همه تمدن های قدیم، از چین و هند و مصر و یونان و نیز "پیام حجاز" در این خطه سر بهم می آورند، بدون ایران سیمای دنیا چه بسا هیبت دیگری بخود میگرفت. اسکندر در اینجا عنان باز کشید و گر نه شرق دور را تا دورترین نقاط چین تسخیر می کرد. صحرا نوردان و مغولان در اینجا از نفس افتادند و گر نه تا انتهای اروپا پیش میرفتند. رومیان که در دنیا از هیچ هراسی نداشتند بجز از "پیکان های پارت" در آنسوی فرات متوقف ماندند. پس از آنکه همین ایران از جانب اسلام فتح شد که شرح وقایع آن مثنوی هفتاد من کاغذ شود، "هویت" خود را از دست نداد. و اسلام و نفوذش، از طریق همین ایران بود که شاید بتوان گفت به نیمی از جهان شناخته شده آن زمان، هند و بنگال و پنجاب و ترکستان و چین و مالزی و اندونزی راه یافت. (هم اکنون نیز غالب آثار هنری اسلام که در موزه های جهان به نمایش گذاشته میشود، دستاورد مردم ایران و یا مشتق شده از تمدن ایران است.) و لطیف ترین اندیشه انسانی جهان که عرفان باشد در همین ایران بالیده شده است (رشد یافته است).

در خلافت اسلامی، با آنهمه رونق و شکوهی که داشت، تشکیلات دولتی و آداب اجتماعی همه از ایرانیان تقلید و اقتباس شده بود، در مدت شش قرن بعد از اسلام، ایرانیان اگر چه دین نوی را پذیرفته بودند، آداب اجتماعی خود را همچنان نگه داشتند و بعضی از این آداب را به دیگران نیز آموختند. هجوم مغول اگر چه ایران را زیر و زبر کرد و بسیاری از رسوم را بر انداخت، باز نتوانست درخت تنآور ملیت ما را ریشه کن کند. در این سخن ها حقیقتی هست که در آن روزگاران ما بر اقوامی که با ما سر و کار داشتند، برتریهایی داشتیم. هر گاه در پیکار دست و بازوی ما از کار میماند، اندیشه و ذوق و هنر ما به میدان می آمد. به حکم جغرافیا، ایران در قلب حوادث جهان بوده است از چهار سو بر او فشار وارد میشده، با این حال از میدان بدر نمی رفته است.

از کاخ آپادانا تا خانه گلی حافظ فاصله چندانی نیست، آنزمان ملک مریی را زیر سیطره خود داشتیم و زمانی بعد ملک معنوی را. اینها که گفته شد حماسه خوانی نیست، یاد آور چند جریان است که در این سرزمین روی داده و تاریخ گواه آن هستند.

گواه رهرو آن باشد که سردش بینی از دوزخ

نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا (حکیم سنایی)



Family Dentistry

Dr. Hamid Rouhani, DDS

Brier Creek

7980 Arco Corporate Dr., Ste 102

Raleigh, NC 27617

919-908-1168

Garner

801 Highway 70 West

Garner, NC 27529

919-661-4077

www.brightsmilesnc.com





## نوشته: خانم مهرانگیز ابراهیمی احمدی

ویرایش: شهاب باقری



بیستون، نزدیک همدان، یکی از آثار تاریخی ایران می باشد که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است و کتیبه داریوش کبیر می باشد که در سال ۵۲۱ قبل از میلاد به سه زبان ایلامی، بابلی و آرامی (پهلوی) نوشته شده و در بالای کوه نقش گشته است. بیستون از مدارک مهم تاریخ ایران است که باعث رمز گشایی و خواندن زبان های ایلامی و بابلی شده است. کمبوجیه، پسر کوروش، در سال ۵۲۰ قبل از میلاد به مصر حمله کرد و آن کشور را تسخیر نمود. او به دلیل قحطی در مصر، مقدار بسیاری غله و مواد غذایی وارد مصر کرد. نقاشیهای دیواری در آن کشور، کمبوجیه را در حال احترام به خدایان مصر نشان میدهد. او به هیچوجه دین ایرانیان را به مصریها تحمیل نکرد و به آنان بی احترامی ننمود. در زمانی که کمبوجیه در مصر بود (۵۲۲ قبل از میلاد)، شخصی به اسم "گیومات" بردیا، برادر کمبوجیه را به قتل رساند و خود را به اسم او پادشاه ایران اعلام کرد. در تاریخ او به نام "بردیای دروغین" شناخته شده است. وقتی کمبوجیه از این جریان با خبر شد، فوراً تصمیم گرفت که به ایران بر گردد ولی در طول بازگشت، به سبب یک پیشامد در گذشت. بعضی ها معتقدند که او به علت افسردگی شدید، خود کشی کرد. کمبوجیه از خود جانشینی به جای نگذاشت.

در این زمان، داریوش که یکی از پسر عموهای کمبوجیه بود، برای باز گرفتن تاج و تخت پادشاهی اقدام کرد و بردیا را از بین برد و پادشاه شد ولی تا مدتی با افراد دیگر که سر به شورش گذاشته بودند به جنگیدن ادامه داد. اقوام مختلف، منجمله پارسیها و مادها در این اغتشاشات شرکت داشتند تا آنکه در سال ۵۲۱ قبل از میلاد، داریوش پادشاه بدون رقیب در ایران گشت. به مناسبت تاجگذاری، او دو نوع سکه به نام داریک (طلا) و سیکو (نقره) در اختیار مردم گذاشت که بعد ها یکی از رایج ترین سکه ها در دنیای باستانی شد و سیستم اقتصادی استوار و پایداری را در ایران باستان برقرار کرد.

داریوش در زمان سلطنت خود ثابت کرد که رهبری خردمند و مقتدر است. او به آموزش اهمیت زیادی می داد و به همین مناسبت خط آرامی یا فنیقی را جایگزین خط میخی کرد که بعد ها خط پهلوی نام گرفت. داریوش در طول پادشاهی خود شاهراه بزرگ کورش را به اتمام رساند و جاده سراسری آسیا را احداث کرد که از خراسان به مغرب چین می رفت و بعد ها به نام جاده ابریشم باز شناخته شد. کاخ پرسپولیس به دستور داریوش بزرگ ساخته شد. ساختمان مجموعه پرسپولیس بیش از هشتاد سال طول کشید. مجلل ترین کاخ این مجموعه، آپادانا، در زمان داریوش ساخته شده است. داریوش بزرگ حکمرانی با قدرت و سازمان دهی با کفایت بود و مقررات زیادی در دوره حکومتش برای اداره کردن کشور ایجاد کرد. یکی از کارهای او، تعویض کردن تقویم بود. او برای اصلاح تقویم ایران، نجوم شناسان مختلف از جمله دانشمندان بابلی را بسیج کرد. در تقویم جدید، روزها سی روزه بودند و روز اول و پانزدهم ماه تعطیل بود. در طول سال، پنج عید مذهبی و سی و یک روز تعطیل رسمی شامل عید نوروز و سوگ سیاوش وجود داشت.

داریوش همچنان پادگان و ارتش را در ایران پایه گذاری کرد. در زمان او چاپارخانه و پست نیز در ایران ایجاد شد. در زمان امپراطوری داریوش، ایران به ناحیه های بزرگی تقسیم شد و حکمران هر ناحیه را ساتراپ مینامیدند. برای هر ناحیه مالیات معینی تعیین شده بود که دفاع نظامی آن ناحیه را تضمین می کرد. هندوستان در زمان داریوش یکی از نواحی زیر تسلط ایران بود که به حکومت داریوش مالیات میداد.

داریوش که پیرو آموزش و علم بود در زمانی که فیثاغورث تبعید و به محل تولدش در ساموس باز گشته بود، بر این نواحی حاکم بوده و از فیثاغورث حمایت کرد.

داریوش بزرگ در سن ۶۴ سالگی بعد از بیماری کوتاه مدتی در گذشت و در نقش رستم مدفون شد. او در کتیبه ای که در آرامگاهش در بیستون به جای گذاشته، از نزدیکی خود به اهورا مزدا صحبت میکند و از تمام ملیت هایی که بر آنها فرمانروایی می کرده یاد آوری می نماید. این مردم شامل مادها، پارت ها، و مناطق ایلام، باکتریا، هند، مصر، سرزمین عرب، ارمنستان، لیدیا، یونان، بابل، آشور، لیبی، نوبیا و ملل دیگری میشوند. خشایارشا، پسر داریوش از همسر اولش اتوسا دختر کورش، پس از مرگ داریوش به جانشینی او انتخاب شد.



مهر داریوش در موزه بریتانیا در لندن



نقشی در آپادانا



داریوش بزرگ



**Shahrzad  
AFSHINPOUR**

شهرزاد افشین پور مشاور خرید و  
فروش املاک مسکونی

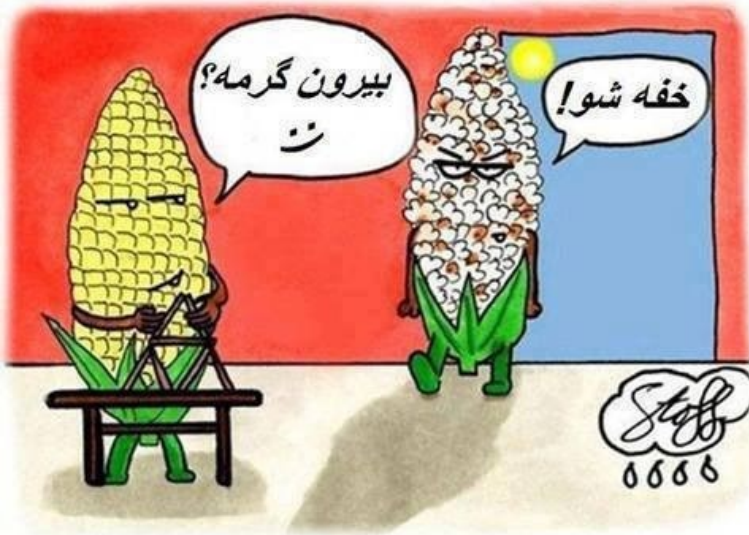
Realtor, Broker, GRI, SFR, ASP, SERS

safshin@kw.com, 919-616-6166

WWW.IStageAndSell.com



**The Realtor You Can Trust!**



## فکاهی

دوتا دوست باهم میرن شیرینی فروشی.  
اولی می بیند کسی حواسش نیست، سه تا شیرینی میذاره توی  
جیبش و وقتی میان بیرون به رفیقش میگه:  
اینارو ببین! به این میگن زرنگی!  
دومی میگه: این که چیزی نیست، بیا بریم زرنگی رو نشونت  
بدم!

برمی گردن توی شیرینی فروشی و اون به شیرینی فروش  
میگه:

سه تا شیرینی بده میخوام واست جادو کنم!  
شیرینی فروشه اولیشو میده، طرف می خوره، دومیشم میده  
طرف می خوره، سومیشم می خوره!  
شیرینی فروشه میگه:

پس کو جادوش؟  
یارو میگه: جیب رفیق رو نگاه کن؛ صحیح و سالم پیداش  
میکنی.

### داشت عباسقلی خان پسری...

داشت عباسقلی خان پسری	پسر بی ادب و بی هنری
نام او بود علی مردان خان	کلفت خانه ز دستش به امان
هر چه میگفت ننه لج میکرد	دهنش را به ننه کج می کرد
هر چه می دادند میگفت کم است	مادرش مات که این چه شکم است
هر کجا لانه گنجشکی بود	بچه گنجشک در آوردی زود
هر سحر که دم در بر لب جو	بود چون کرم به گل رفته فرو
ای پسر جان من این قصه بدان	تو مشو مثل علی مردان خان

ایرج میرزا

در سرزمین من چندی است واژه ها، واژگون شده اند  
ایجا کنج را بجگ میخوانند، دمان را نامرد و قهقهه را بق  
دزد همان دزد است، دزد همان دزد است و گرگ همان گرگ، میدانی چرا؟  
چون در سرزمین من نادان از هر طرف همواره نادان است



# توضیحی کوتاه در باره موسیقی دستگاهی ایرانی

نوشته شهرام مظهری



نگارنده این متن مختصر، هیچ ادعایی در زمینه موسیقی ایرانی نداشته و صرفاً خود را شاگرد و طرفدار این علم و هنر زیبا می‌داند. لذا کم و کاست این نوشته را بر من منت نهاده و ببخشایید. شهرام مظهری

موسیقی دستگاهی ایران

آنچه که امروزه آن را موسیقی اصیل یا سنتی ایران می‌نامیم، حاصل هزاران سال بداهه خوانی، نغمه پردازی، نوا سازی، آموزش سینه به سینه و تعلیم و تربیت شفاهی و حرفه ایی از استاد به هنر آموز می‌باشد. این موسیقی اساساً بیانگر احساسات واقعی ایرانیان در طول تاریخ است. به همین دلیل در آن غم، اندوه، شادی، وجد، هیجان، اعتراض و حال و هوای عمیق و سطحی احساسی شنیده می‌شود. قابل توجه است بگوییم که دستگاه ها و گوشه های تابع آنها تقریباً نغمه های تمامی مناطق ایران زمین را پوشش میدهد و بیان میکند. در ضمن موسیقی ایرانی همواره متأثر از ادبیات غنی ایران، و ترکیبی تفکیک نا پذیر با آن داشته است.

شاید بزرگترین شاخص و حسن موسیقی ما چه در آموزش و یاد گیری و چه در اجرا، ترکیب، مقررات، نظم و فرمول خاص آن است که دستگاه نامیده می‌شود. موسیقی دستگاهی ایرانی شنونده را گاهی به تفکر می‌اندازد، گاهی به اوج می‌برد و در برخی موارد، به زیر می‌کشانند. شنونده اگر علم به دستگاه ها و حالت‌های آنها را داشته باشد، طبیعتاً از این موسیقی بیشتر لذت می‌برد.

همانطور که گفته شد، موسیقی دستگاهی ایران از اسلوب و فرمول خاصی پیروی می‌کند. به عبارت دیگر باید ردیفی و ترتیبی نواخته و خوانده شود. قطعات تدوین شده از تقدم و تاخر سازمان یافته خاصی بر خوردار هستند. ردیف نوازی و ردیف خوانی چارچوبی به عبارت زیر دارد:

از پیش در آمد شروع شده به در آمد، آواز، چهار مضرب (قطعات ضربی و ریتمیک)، اوج یا مخالف، فرود و تصنیف را در خود می‌گنجاند و با رنگ که معمولاً با یک ریتم تند است خاتمه پیدا می‌کند.

اجزا و تکه های یک دستگاه را گوشه می‌گویند که با یک ترتیب منظم، خاص و متشکلی نواخته و خوانده می‌شود. دستگاه را می‌توان یک سیستم منظم موسیقی دانست. نوازندگان و آواز خوانان می‌توانند با سلیقه، استعداد، علاقه مندی و احساس خود گوشه ها را آزادانه انتخاب و اجرا نمایند. مسلماً حالت‌های احساسی و ریتمیک قطعات از چکامه های انتخاب شده تأثیر می‌پذیرند.

موسیقی ما دارای هفت دستگاه، پنج، شش، و یا هفت آواز می‌باشد. آوازها از متعلقات دستگاه های اصلی هستند. تمامی این دستگاه ها و آواز ها اجزای کوچکتر و کوتاه متعلق به خویش دارند که به آن گوشه می‌گوییم.

## دستگاه ها:

دستگاه شور: متعلقات آن: (آوازها) دشتی، ابو عطا، افشاری، بیات ترک و بیات کرد.

دستگاه همایون: متعلقات آن (آوازها): اصفهان و برخی معتقدند که شوشتری را هم در همایون باید آواز نامید.

دستگاه ماهور

دستگاه سه گاه

دستگاه چهار گاه

دستگاه راست پنج گاه

دستگاه نوا

هنرمندان موسیقی ایرانی تنها پس از سالها آموزش نزد استادان متفاوت، تمرین، تصحیح، پالایش و اجرا قادرند که مستقل ردیف و دستگاه های موسیقی ایران را بنوازند.

شهرام مظهری بنیانگذار و سرپرست گروه موسیقی آزادی در شارلوت کارولینای شمالی است. ایشان رییس بخش و استاد تولید برنامه های تلویزیونی در دانشگاه یورک میباشند.



آوآدو میوه مفید و خوشمزه ای است که در غذاهای مختلف مانند سالاد، همبرگر و گواکومولی به کار برده میشود. در خرید آوآدو، میوه هایی را انتخاب کنید که پوست سفت داشته و لکه های نرم نداشته باشند. برای نگهداری آوآدو این چند نکته را رعایت کنید:



## How to Store Avocados

Buttery rich and healthy, avocados are available year-round and delicious in everything from salads and burgers to the perennial favorite, guacamole.

At the supermarket, look for avocados with firm skin and no soft spots. Once you're home, follow these simple steps for enjoying the maximum taste and shelf life from your avocados:

### 1- Store avocados at room temperature until they're fully ripe.

You can tell if an avocado is ripe by giving it a gentle squeeze if it yields to that light pressure, it's ready to use.

Store unripe avocados at room temperature. It generally takes anywhere from four to seven days for a hard avocado to fully ripen.

### 2 - Running out of time? Speed up the ripening process.

You can speed up the ripening process by putting your avocados in a brown paper bag placing an apple in the bag will help hurry things along even more. This will usually cut down the ripening time to 1 to 3 days.

### 3 - Store fully ripe avocados in the refrigerator.

If you've got fully ripe avocados that you do not want to use right away, place them in the fridge in a plastic bag. There, they'll usually keep well for another three to five days.

### 4 - Keep cut-up avocados tightly wrapped.

To keep cut-up avocado from turning brown, wrap it tightly in plastic wrap before refrigerating sprinkling a small amount of lemon or lime juice onto the exposed avocado flesh will also help prevent discoloration.

### 5 - Stash leftovers in the freezer.

Avocados freeze very well, with just a little bit of extra preparation. To freeze: Wash, peel and then puree the avocados. Add to the puree 1/2 tablespoon of lemon juice for every avocado used to prevent browning. Place the puree in covered airtight containers or heavy-duty freezer bags and use within six months for best quality.

۱ - آوآدو را در حرارت اتاق نگهداری کنید تا کاملاً برسد. رسیده بودن میوه را میتوان با فشار مختصر امتحان کنید. اگر با فشار مختصر پایین برود، نشانه رسیده بودن میوه است. معمولاً چهار تا هفت روز طول میکشد که آوآدو برسد.

۲ - برای سریع کردن رسیدن این میوه میتوان آنرا در یک پاکت کاغذی بگذارید. اگر یک سیب یا موز هم در پاکت بگذارید، آوآدو حتی زودتر میرسد. با این روش، معمولاً در عرض یک تا سه روز میوه می رسد.

۳ - آوآدوی رسیده را اگر قصد استفاده ندارید در کیسه پلاستیکی در یخچال نگهدارید. با این روش، سه تا پنج روز به عمر میوه اضافه میشود.

۴ - اگر آوآدو را برش داده اید، برای جلوگیری از سیاه شدنش، آنرا در لفافه پلاستیکی محکم ببندید و در یخچال بگذارید. اگر چند قطره آب لیمو یا لیمو ترش روی قسمت باز شده آن بریزید از سیاه شدن میوه جلوگیری میکند.

۵ - نگهداری آوآدو در یخچان: این میوه در یخچان یا فریزر خوب می ماند. برای نگهداری در یخچان، اول میوه را خوب بشوید. پوست آنرا کنده و بعد خوب نرم و له کنید (پوره). نصف قاشق غذا خوری آب لیمو برای هر آوآدو که استفاده کرده اید روی پوره بریزید که از سیاه شدنش جلوگیری کند. میوه آماده شده را در کیسه پلاستیکی مخصوص یخچان یا ظرف مخصوص بگذارید و تا آنجایی که ممکن است هوای آن را خارج کنید. تاریخ روی آن بگذارید و در عرض شش ماه آنرا مصرف کنید.



Store avocados with apples or bananas in a brown paper bag to speed up ripening.





بیست و هشتمین فستیوال بین المللی رالی در اکتبر ۲۰۱۳

از بالا به پائین و راست به چپ:

- ۱ - مجید روح افزا ، هنرمند خوشنویس، و شبنم نصیر هنرمند نقاش
- ۲ - شبنم نصیر، ۳ - فریدون و شریل موسوی، ماریا و دیوید تونن
- ۴ - آریتا ویلسون ۵ - جوایز قدر دانی از نازی کایت و بهترین غرفه
- ۶ - شریل موسوی و ماریا تونن برندگان جایزه بهترین غرفه فرهنگی



# The Sweet Taste of Success at the 28<sup>th</sup> International Festival of Raleigh

## Two victories for the Iranian team

Raleigh's 2013 International Festival was a spectacular success story for the Triangle Persian community under the leadership of Fereydoon Moosavi, chair of the ICSNC Festival Committee.

Two wonderful awards capped off the weekend. Nazi Ahmadi Kite, key long term member of the ICSNC and the International Festival organizing team was honored with a very special award. We quote from the tribute paid to our good friend Nazi in the Festival program.

Mehrnaz ("Nazi") Kite has been a dedicated supporter of International Focus and the International Festival for over two decades. A member of the Persian community, she showed her leadership and abilities, building the Iranian Cultural Society of North Carolina and the Festival as they grew side-by-side. Through the years, Nazi has served on the International Focus Board of Directors including four terms as president. ... Nazi, you ARE the Festival – we would not be the same without you! THANK YOU from all of us for your wisdom, altruism, and dedication!!!!

And, adding to the honors, our Cultural Booth won the Best of Festival Award!! Our congratulations to the cultural booth committee led by Cheryl Moosavi and Maria Ahmadi Thoenen!

As has been the case every year, the calligraphy booth was a popular stopping point for Festival visitors. Our thanks to Mrs. Ebrahimi, Dr. Bat-haee and Mr. and Mrs. Jabbarzadegan. And of course, the delicious Persian cuisine served by Mr. and Mrs. Sanjar added the finishing touch to a wonderful showing by the Iranian community.

Our thanks to the many, many volunteers who did step forward and contribute! Visit our [icsnc.org](http://icsnc.org) web site for a list of all our wonderful volunteers and terrific festival photos.



در فستیوال بین المللی رالی سال ۱۳۹۰، کانون فرهنگی ایرانیان دستاورد های چشمگیر و افتخار آمیزی داشته که حاصل کوشش مسئولین و اعضای کانون می باشد. تیم ایران زیر نظارت و راهنمایی رئیس کمیته فستیوال بین المللی کانون، آقای فریدون موسوی، اعضای کمیته و تعداد زیادی از داوطلبان هموطن و آمریکایی، به این افتخار نایل شد. دو جایزه مهم حاصل این فستیوال بود. جایزه اول به خانم نازی کایت، عضو و یکی از بنیانگذاران کانون و از اعضای فعال فستیوال بین المللی در طول سالیان گذشته، برای خدمات پر ارزش ایشان به فستیوال اهدا شد. در موقع تقدیم جایزه این کلمات برای قدر دانی نازی گفته شد:

"مهرناز (نازی) کایت یکی از حامیان وفادار و معتبر فوکوس و فستیوال بین المللی در بیست سال گذشته بوده است. نازی شایستگی و توانایی خود را در مدیریت با بنیانگذاری کانون فرهنگی ایران و فستیوال که در کنار هم رشد کرده اند نشان داد. در طول این سالیان، نازی عضو هیأت مدیره اینترنشنال فوکوس بوده و چهار بار به عنوان رییس این سازمان خدمت کرده است. نازی، شما هویت و اساس این سازمان می باشید. با تشکر فراوان از فرزاندگی، نوع دوستی و اهدای وقت خود برای خدمت به دیگران!"

جایزه دیگری که نصیب کانون شد، مهمترین جایزه فستیوال میباشد. غرفه فرهنگی ایران برنده بهترین غرفه فستیوال شد. پیوند تبریک فراوان به اعضای کمیته غرفه فرهنگی ایران به مدیریت ماریا احمدی تونن و شریل موسوی عرض میکند.

مانند سالیان گذشته، غرفه کالیگرافی یکی از نقاط مورد علاقه اکثریت بازدید کنندگان بود. تشکر فراوان از خانم ابراهیمی، دکتر بطحایی و خانم و آقای جبارزاده برای اداره غرفه خوش خط نویسی. غذاهای لذیذ ایرانی به وسیله خانم و آقای سنجر تهیه شده بود که نمایش هنر و فرهنگ ایران را کامل کرد.

تشکر فراوان به داوطلبانی که وقت خود را برای پیشرفت نام و فرهنگ ایران به فستیوال اهدا کردند. لطفاً برای لیست نام داوطلبان و عکسهای فستیوال به وب سایت ما مراجعه کنید.

[www.icsnc.org](http://www.icsnc.org)



شرکت خدمات کامپیوتری بالاتک با مدیریت عظیم صیوری  
با ۲۹ سابقه کار در رشته های کامپیوتر و الکترونیک



**Balatech Inc** is an IT solutions and computer services company located in Cary, NC. We have been serving residential, small and mid size businesses in the area since 2003.

Our services include:

- Custom build desktop and server computers
- Expert computer repair and virus removal
- Secure VPN setup for accessing remote office computers
- Site to site VPN setup connecting multiple branch locations
- Automatic Data backup
- Wireless & wired networking setup
- Security audits for businesses
- Free estimates and consultations



(919) 244-8375 527 Keisler Drive Cary, NC 27518



بیست و هشتمین جشنواره بین المللی رالی در ماه اکتبر بر گزار شد. ایرانیان باری دیگر یکی از ستارگان درخشان این جشنواره بودند. موضوع امسال غرفه فرهنگی " هنر، موسیقی و فرهنگ" بود. خوشبختانه غرفه ایران در میان ۳۵ غرفه شرکت کننده مقام اول را دریافت نمود. زحمات خانم ماریا احمدی تونن و شرل موسوی احمدی در تزیین این غرفه، و تعدادی داوطلب در قسمت توضیح این غرفه، باعث شد که ایرانیان در بخش بیشتری داشته باشند و مقام اول را کسب کنند.

ولی چیزی که باعث شد من قلم بردارم، مقام اول ایرانیان نیست بلکه نبودن ایرانیان در قسمت ارائه رقص این جشنواره است. متأسفانه علیرغم درخواستهای مکرر مسئول ایرانیان در این جشنواره، آقای فریدون موسوی احمدی، هیچ دلسوزی مسئولیت یکی از رقصهای کودکان، نوجوانان و یا بزرگسالان را بطور کامل قبول نکرد. در سالهای گذشته و از زمان شروع این فستیوال، رقص و هنر نمائی ایرانیان یکی از پر تماشا ترین قسمت های این جشنواره بود. همه میپرسیدند " چرا ایرانیان رقص ندارند؟" ایرانیانی که در تمام جشنها و مهمانی خود به رقص اهمیت می دهند و بیشتر اوقات، صحنه رقص جا برای رقصندگان کم میاورد! ایرانیانی که از فستیوال استقبال نکردند به دلیل اینکه رقص ایرانی نبود! اگر رقص اینقدر برای استقبال مردم مهم است چرا کسی این وظیفه مهم را قبول نکرد. بقول یکی از دوستان، ما در تالار وحدت تهران رقص ایرانی دیدیم ولی در تالار بزرگ شهر رالی ندیدیم! این مسئله جای افسوس بسیار دارد. چرا ما همیشه منتظریم که کسان دیگری مسئولیت کارها را به عهده بگیرند؟ چرا هر کدام از ما آستین بالا نمی زنیم و به انجام این گونه برنامه ها کمک نمی کنیم؟ چرا فقط انتظار داریم دیگران جلو بیافتند و ما دنباله رو باشیم. چرا هر کدام از ما نمی توانیم یا نمی خواهیم یک معلم و مربی باشیم؟ چرا به مسئله شناخت فرهنگمان در این منطقه و در جشنواره هایی مانند جشنواره بین المللی که بازدید کنندگان بسیار دلرد اهمیت بیشتری نمی دهیم؟ چرا قبول نمی کنیم که تک تک ما در مقابل تاریخ و فرهنگمان مسئول هستیم؟ گرفتاریهای کاری و خانوادگی و اجتماعی و درسی گریبانگیر همه ما می باشد و نباید سدی باشد برای انجام خدمت به توسعه فرهنگ کشوری که باعث افتخار ما می باشد و به آن عشق می ورزیم. دلیل نداشتن رقص ایرانی جلوی آینه تک تک ما می باشد. به امید همت و همکاری در برنامه های فرهنگی آینده این منطقه.



نازی کایت و ماریا تونن برندگان جوایز در فستیوال بین المللی

## برنامه های آینده کانون

کنسرت پرپسا: ۲ نوامبر  
جشن یلدا: ۱۵ دسامبر  
جشن سده: ۲۵ ژانویه  
چهار شنبه سوری: ۱۸ مارچ  
جشن نوروز: تاریخ در آینده اعلام می شود

## ICSNC Future Events

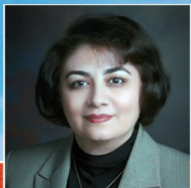
Parissa's Concert	November 2
Yalda Celebration	December 15
Jashn Sadeh	Jan 25
Chahar Shanbeh Souri	March 18
Nowrouz Celebration:	Date TBD

## Minoo Rakhsha, CPA

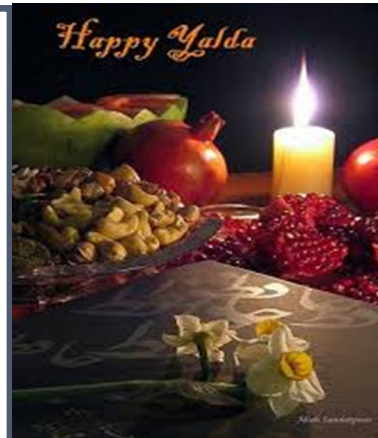
Certified Public Accountant

Individual and Business Income Tax Preparation  
Individual and Business Accounting  
Tax Planning and Business Consulting  
Bookkeeping and Payroll Services  
QuickBooks Setup and Training

Tel: 336-577-2857  
minoorakhsha@yahoo.com



عشقبازی به همین آسانی است  
که گلی با چشمی  
بلبلی با گوشه  
رنگ زیبای خزان با روحی  
نیش زنبور عسل با نوشی  
کار همواره باران با دشت  
برف با قله کوه  
رود با ریشه بید  
باد با شاخه و برگ  
ابر عابر با ماه  
چشمه‌ای با آهو  
برکهای با مهتاب  
و نسیمی با زلف  
دو کبوتر با هم  
و شب و روز و طبیعت با ما!  
عشقبازی به همین آسانی است...  
شاعری با کلماتی شیرین  
دست آرام و نوازش بخش بر روی سری  
پرسشی از اشکی  
و چراغ شب یلدا کسی با شمع  
و دل آرام و تسلا و مسیحای کسی یا  
جمعی  
عشقبازی به همین آسانی است...  
که دلی را بخری  
بفروشی مهری  
شادمانی را حراج کنی  
رنجها را تخفیف دهی  
مهربانی را ارزانی عالم بکنی  
و بیچی همه را لای حریر احساس  
گره عشق به آنها بزنی  
مشتري هایت را با خود ببری تا لیخند  
عشقبازی به همین آسانی است...  
مجتبی کاشانی



## ICSNC-Persian School Shabe Yalda Family

### Celebration

Sunday December 15<sup>th</sup>

4:00-8:00pm

Brier Creek Country Club

Music, Yalda Customs, Dance, Arts and  
Crafts, Dinner and more.

Adults: \$25, Children: \$15

Contact: mohadjers@gmail.com

## Improve your English today at ElementalEnglish.com

A free online resource of high quality  
English Pronunciation and Language Lessons.



Facebook.com/elementalenglish  
YouTube.com/elementalenglish

## شهلا رضوانی

مشاوری دلسوز با ۲۰ سال سابقه در تمام امور مربوط  
به خرید و فروش خانه های مسکونی و ساختمان های  
تجاری در سراسر کارولینای شمالی آماده همکاری با  
شما میباشد.

## Shahla Rezvani

### Continued Achievements!

At the Awards of Excellence in March 2013, Shahla received the following honors:

- #6 Sales Associate in the Southern Region
- Coldwell Banker International President's Premier
- #2 Coldwell Banker Associate in North Carolina
- CB-HPW Volume Leader of the Year
- CB-HPW Listing Associate of the Year
- CB-HPW Listings Sold Associate of the Year
- CB-HPW Associate of the Year Among 11 Offices and 700 Brokers
- #8 Triangle Business Journal All Triangle Real Estate Companies

"In the Coldwell Banker network of over 84,000 Sales Associates, it is evident that Shahla Rezvani rises to the top. Shahla is consistently, year after year, recognized as one of the top agents not only in the Triangle but in the nation as well."

Randy Cox, Broker In Charge

Office: (919) 960-6302

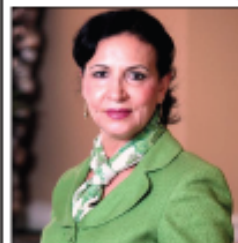
Fax: (919) 313-9849

Email:

RezvaniS@hpw.com

Website:

www.ShahlaRezvani.com



Why not work  
with the best !



HOWARD PERRY  
AND WALSTON  
HPW.com

Each Office is Independently Owned And Operated







hair salon

**Shahla Beauty**

For Men and Women

☎ 919-841-9008 ☎

Helping you look your best  
for everyday and special  
occasions

Shahla is a former hairdresser  
*for the US Senate*

TRAINING  
BOSTON · LONDON · PARIS · MILLANO

کارشناس رنگ مو  
استاد برش مو

8401 Six Forks Road, Suite 104  
Raleigh, NC 27615

Please call for Appointment  
Tuesday – Saturday

لطفا تماس بگیرید برای انتصاب  
سه شنبه - شنبه

[www.shahlabeauty.com](http://www.shahlabeauty.com)

Iranian Cultural Society of NC, P.O. Box 32217  
Raleigh, NC 27622

NON-PROFIT ORG.  
U.S. POSTAGE  
PAID  
RALEIGH, NC  
PERMIT NO. 754